

مفهوم‌شناسی و قلمرو پژوهی ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان (در سایه میان‌رشته‌گی ادبیات کودک و نوجوان و ادبیات تطبیقی)

سارا ذبیحی، محمدعلی خزانه‌دارلو*، رضا چراغی

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

سال هفدهم، شماره یازدهم، بهمن ۱۴۰۳، شماره پی در پی ۱۰۵، صص ۱۴۵-۱۲۳

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2025.17.7609>

نشریه علمی سبک‌شناسی و تحلیل متون نظم و نثر فارسی (بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: ادبیات کودک و نوجوان پیش از دریافت ماهیت مستقل در بستر دانشگاهی و علمی، در مقابل ادبیاتی که با مخاطبان بزرگسال مواجه است، گفتمان مغلوب محسوب میشد. بزرگسالان از امکان‌مندی و پذیرش ادبیاتی مختص مخاطب کودک و نوجوان به‌عنوان دانشی مستقل امتناع می‌ورزیدند و ادبیات بزرگسالانه خود را غالب میدانستند تا اینکه گذار و تغییر و تحولات، به استقلال معرفت‌شناختی آن انجامید. ادبیات کودک و نوجوان با مخاطب‌شناسی ویژه خود، در ارتباط بینارشته‌ای با ادبیات تطبیقی، ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان را برمی‌سازد. این پژوهش به وضعیت این ساحت و قلمرو آن می‌پردازد.

روش‌ها: نوپایی این ساحت در عرصه جهانی، کمبود منابع و ضرورت پژوهش‌هایی را نشان می‌دهد. ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان، در مباحث مختلف نظری که به شکل‌گیری چهارچوب و شناخت این دانش می‌انجامد، با ادبیات تطبیقی ارتباط بینارشته‌ای و ترامنتی دارد که هر یک از انواع روابط بینامنتی، پیرامنتی، سرمنتی، بیش‌مندی و فرامنتی در پژوهش‌های مستقل قابل مطالعه است. رویکرد میان‌رشته‌ای و بررسی بینامنتی و تطبیقی با روش توصیفی از نوع تحلیل محتوا و واکاوی منابع نظری مدنظر است.

یافته‌ها: در این مطالعه، مفهوم ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان در بستر دانشگاهی ایران، میان‌رشته‌گی و صورت‌بندی قلمروهای پژوهشی این حیطه در چشم‌انداز بینامنتی و تطبیقی ادبیات تطبیقی و حوزه‌های پیشنهادی اسالیوان که تنها پژوهش مستقل ترجمه‌شده در ایران است، بر ساخته شد تا در مجموع خلأ نظری مفهوم‌شناسی، مسئله‌سازی و قلمرو پژوهی این ساحت نوپا برای پژوهش‌های آتی کاهش یابد.

نتیجه‌گیری: در پژوهشی دیگر، پژوهشگران به شاخص‌های ثابت و متغیر و نیمه متغیر این دانش پرداختند تا در مسئله‌شناسی و مسئله‌سازی به پژوهش در این حیطه یاری رسانند. با توجه به وضعیت ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان در دانشگاه و قلمرو پژوهش آن، اهمیت دارد که پژوهشگران ماهیت ویژه و حوزه پژوهش در این ساحت را نسبت به ادبیات تطبیقی بزرگسال مدنظر قرار دهند.

تاریخ دریافت: ۰۷ فروردین ۱۴۰۳

تاریخ داوری: ۰۷ اردیبهشت ۱۴۰۳

تاریخ اصلاح: ۲۲ خرداد ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۰۲ تیر ۱۴۰۳

کلمات کلیدی:

ادبیات کودک و نوجوان، ادبیات تطبیقی، ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان، بینارشته‌گی، قلمرو پژوهش

* نویسنده مسئول:

khazaneh@guilan.ac.ir

۰۲۷۴۰۳۳۶۹ (۱۳۹۸)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Conceptualization and Territory-Research of Comparative Children’s and Young Adult Literature (In the shadow of Interdisciplinary Children’s and Young Adult Literature and Comparative Literature)

S. Zabihi, M.A. Khazanehdarlou*, R. Cheraghi

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Gilan, Rasht, Iran

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 26 March 2024

Reviewed: 26 April 2024

Revised: 11 June 2024

Accepted: 22 June 2024

KEYWORDS

Children’s and Young Adult Literature, Comparative literature, Comparative Children’s and Young Adult Literature, Interdisciplinary, Territory of Research.

*Corresponding Author

✉ khazaneh@guilan.ac.ir

☎ (+98 13) 33690274

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: Before receiving the independent nature in the academic and scientific context, Children’s and Young Adult Literature was a Defeated discourse in front of the literature that faces adult audiences. Adults refuse the possibility and acceptance of literature specific to children as an independent knowledge and they consider adult literature to be dominant over Children’s and Young Adult Literature. The exploration of new angles of this field became prominent with transition of changes and transformations to the independence of knowledge. Children’s and Young Adult Literature with its special audience-study, in Interdisciplinary relationship with comparative literature, makes Comparative Children’s and Young Adult Literature. The newness of this field in the global arena shows the lack of resources and the necessity of theoretical research. This research deals with the condition of this field and its territory.

METHODOLOGY: The Comparative Children’s and Young Adult Literature, in various theoretical topics that lead to the formation of the framework and understanding of this knowledge, has a Interdisciplinary and Transtextual relationship with comparative literature, it can be studied in independent researches. An interdisciplinary approach and intertextual and comparative analysis with a descriptive method of content analysis and analysis of theoretical sources is considered.

FINDINGS: In this study, the concept of Comparative Children’s and Young Adult Literature in the academic context of Iran, Interdisciplinary and the formulation of the Territory of Researchs of this field are built in the intertextual and comparative shadow of comparative literature and the proposed fields of O’Sullivan, to reduce the theoretical void of Conceptology, Problem-Creating and Territory-Research of this nascent field for future researches.

CONCLUSION: In another research, the researchers looked at the fixed, variable and semi-variable indexes of this knowledge to help the research in this field in Problem-Analysis and Problem-Creating. Considering the situation of the Comparative Children’s and Young Adult Literature in the university and its scope of research, it is important that researchers consider the special nature and scope of research in this field compared to the comparative literature of adults.

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2025.17.7609>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 16	 2	 3

مقدمه

ادبیات تطبیقی، نوع متفاوتی از خوانش است که با بینشی مقایسه‌ای آغاز میشود (دومینگز و دیگران، ۱۳۹۹: ص ۱۳). یکی از آسیبهایی که بر پیشانی این شاخه از معرفت نشست، ایجاد ذهنیت مقایسه‌ای از عنوان «ادبیات تطبیقی» بوده است؛ مقایسه‌ای که در نظر پژوهشگران در خود ظرفیتهای سلطه‌جویانه داشت (لطافتی و معظمی فراهانی، ۱۳۹۸: ص ۱۵). ادبیات تطبیقی، نتیجه‌ طبیعی پیشرفت تاریخی بشر و فلسفه‌ای نو در ادبیات و نظریه‌ای جدید در علوم انسانی است (یوست، ۱۳۹۸: صص ۵۷-۵۶). ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان نیز، فلسفه‌ای نو در ادبیات کودک و نظریه‌ای جدید در علوم انسانی است که به‌علت مطالعه مفاهیم «کودک»، «نوجوان»، «کودکی» و «نوجوانی» و گفتمان برخاسته از آنها، ذیل رشته‌های ادبیات، روانشناسی، علوم تربیتی، جامعه‌شناسی، سینما، مطالعات فرهنگی و...، حقیقتی میان‌رشته‌ای در خود دارد. با توجه به اینکه زبان، فصل مشترک ادبیاتهای دیگر نیز محسوب میشود، ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان^۱ نیز از این امکان برخوردار است. چالشها و نزاعهای مربوط به تعریف ادبیات تطبیقی از یک طرف و ماهیت و فلسفه ویژه ادبیات کودک و نوجوان از طرف دیگر سبب میشود در توصیف ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان نیز چالشهایی باشد. بعد از جنگ جهانی دوم این باور که ادبیات کودک میتواند سبب افزایش هم‌فهمی جهانی شود، به‌صورت یک اصل مطرح گردید (اسالیوان، ۱۳۹۸: ص ۱۳). آرمانشهر و ایده فراملی «جمهوری جهانی کودکی» زمانی دمیده شد که «ادبیات کودک و نوجوان» در حال گذر از مرزها و بوم‌ها بود. به تدریج بازار تألیفات رونق گرفت و دادوستدهای جهانی افزایش یافت و ترجمه‌ها زمینه‌ساز تطبیق آثار با یکدیگر شدند. در کنار پژوهشهای تطبیقی و مقایسه‌ای که برای شناخت ادبیات کودک در محدوده ادبیات ملی صورت میگرفت، ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان در عرصه جهانی برجسته و نیاز آن بیشتر لمس شد. تلاش پژوهش حاضر تحقق بخشهایی از اهداف ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان است تا به بررسی مفهوم و قلمرو ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان در ایران بپردازد؛ خلأ پژوهش در تعریف و تبیین کلیات، مرور تاریخچه، معرفی بنیان نظری و عملی این شاخه از دانش در ایران، پژوهش حاضر را در زمره نخستین تلاشهای علمی-پژوهشی در این زمینه قرار میدهد که باید با مطالعه پژوهشهای موجود، ماهیت و وضعیت ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان را در ایران تفسیر و تبیین نماید.

هدف تحقیق

هدف پژوهش این است که توجه سیاستگذاران و پژوهشگران ادبی و هنری به ضرورت توسعه این شاخه از دانش بشری و مبانی نظری و نظریه‌پردازی نسبت به آن در ایران جلب شود؛ به‌منظور توجیه چنین ضرورتی، اهمیت دارد که تاریخچه، قدمت و جایگاه و گستره علمی و کاربردی این رشته در سایر ملل و سایر ادبیاتهای از جمله ادبیات بزرگسال که گفتمان غالب در پژوهشها و مطالعات نظری و کاربردی ماهیت ادبیات تطبیقی محسوب میشود، توصیف گردد. تحقق این هدف، افقهای تفکربرانگیزی را پیش‌روی پژوهشهای آتی پدیدار میسازد. رسالت و نقش برنامه‌ریزان، فرهیختگان، پژوهشگران، نهادها، انجمن‌ها، نشریه‌ها و نظام آموزشی و دانشگاهی در ساماندهی مطالعات ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان و توجه ویژه به تمرکز در این شاخه از دانش و بسط و توسعه ابعاد نظری و کاربردی آن بیش‌ازپیش نمودار میگردد.

^۱ Comparative Children's and Young Adult Literature

سوالات تحقیق

این پژوهش با بررسی منابع نظری موجود از دو ساحت ادبیات تطبیقی و ادبیات کودک و نوجوان، به واکاوی پاسخهای پرسشهای زیر میپردازد:

- ۱- وضعیت ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان در دانشگاه و جامعهٔ علمی و دانشگاهی چگونه است؟
- ۲- آیا قلمرو پژوهش در ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان با قلمرو پژوهش در ادبیات تطبیقی از حیطة ادبیات بزرگسال یکسان است؟ یا مشخصه‌های ویژهٔ خود را برمی‌سازد؟
- ۳- پژوهشگر ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان در چه قلمروها و ساحت‌هایی میتواند به تحقیق و پژوهش بپردازد که به‌طور مشخص در ساحت ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان باشد؟

اهمیت و پیشینهٔ تحقیق

شماری از مطالعات به روش‌شناسی، نقد و آسیب‌شناسی و... در ادبیات تطبیقی پرداخته‌اند. از این دسته پژوهشها: رسالهٔ علوی‌زاده (۱۳۹۴) تحت عنوان «بررسی انتقادی مقالات ادبیات تطبیقی در دههٔ هشتاد ایران (بر بنیان نظریهٔ فرانسوی)» و مقاله‌های وی تحت عنوان «بررسی انتقادی پژوهش‌های تأثیر و تأثر در ادبیات تطبیقی ایران» و «بررسی انتقادی مقالات ادبیات تطبیقی در ایران دههٔ هشتاد»، پایان‌نامهٔ شمسینی‌غیاثوند (۱۳۹۵) با عنوان «تحلیل مقالات علمی‌پژوهشی ادبیات تطبیقی از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴»، ایران‌زاده و امامی (۱۳۹۵) با مقالهٔ «تحلیل موضوعی مقاله‌های ادبیات تطبیقی در ایران از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۹۰.ه.ش»، پایان‌نامهٔ ملکی دوبرجی (۱۳۹۶) تحت عنوان «نقد و بررسی محتوایی و ساختاری مقالات ادبیات تطبیقی (مطالعه موردی: نشریهٔ ادبیات تطبیقی دانشگاه شهیدباهنر کرمان)»، نظری (۱۳۹۶) تحت عنوان «نقد و بررسی محتوایی و ساختاری مقالات ادبیات تطبیقی (مطالعه موردی: مجلهٔ کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی دانشگاه رازی)»، باوان‌پوری و دیگران (۱۳۹۹) با مقالهٔ «نقد ساختاری مقالات حوزهٔ ادبیات تطبیقی براساس اصول مقاله‌نویسی مطالعهٔ موردی: ده مقالهٔ تطبیقی فارسی مجلهٔ ادب عربی دانشگاه تهران»، در حیطة ادبیات بزرگسال به مباحث کاربردی ادبیات تطبیقی پرداخته‌اند. در رسالهٔ شجاعی (۱۳۹۶) تحت عنوان «بررسی روش‌های تحقیق و تحلیل در ادبیات تطبیقی»، ضمن پرداختن به مبانی نظری، راهبرد پژوهشی پیشنهادی با معرفی سه روش کلی پژوهش تطبیقی ارائه میشود. شجاعی و تمیم‌داری (۱۳۹۶)، مقالهٔ «پایه‌های نظری و روش‌های مطالعهٔ ادبیات تطبیقی در مکتب فرانسوی» را مستخرج از رسالهٔ مذکور ترتیب داده‌اند.

مطالعاتی به‌صورت عملی به مباحث روش‌شناختی در پژوهشهای رشتهٔ ادبیات کودک پرداخته‌اند که عبارت‌اند از؛ پایان‌نامه‌های خادمی گوراب‌زرمخی (۱۳۹۲) تحت عنوان «بررسی رویکردهای تحلیل و نقد ادبی در حوزه ادبیات کودکان در ایران دهه ۸۰» و کهن سلوکلویی (۱۳۹۲) تحت عنوان «بررسی نظریه و نقد عملی ادبیات کودک بنا به روایت ماهنامه‌ی کتاب ماه کودک و نوجوان (۱۳۷۶-۱۳۸۰)».

نمونه‌ای از گذر از بحث ادبیات تطبیقی کودک، در کتاب *تاریخ ادبیات کودک و نوجوان در جهان اثر ذبیح‌نیا عمران* و یگانه‌مهر (۱۳۹۲) است که تنها دو صفحه به این مسئله اختصاص دارد. در چکیدهٔ رسالهٔ دکتری فیروزی مقدم (۱۳۹۷) تحت عنوان «بازشناخت تطبیقی ادبیات کودکان انگلیسی-آمریکایی در سده‌های ۱۸ و ۱۹ م. و تأثیر آن بر ادبیات کودکان ایران در دوره معاصر (مطالعه موردی: بررسی تطبیقی آثار مارک تواین و هوشنگ مرادی کرمانی)» اشاره میشود که از میان نظریه‌پردازان ادبیات کودکان جهان، صاحب‌نظرانی چون پیتر هانت، پری نودلمن

و اسالیوان در ایران شناخته‌شده‌تر هستند. در این رساله بعد از توضیحاتی در خصوص ادبیات تطبیقی و مکتب‌های فرانسوی و آمریکایی، تنها در دو صفحه انتهای فصل به ادبیات تطبیقی کودک اشاره میشود که این اشارات نیز لابه‌لای مطالب نقد و نظریه ادبیات کودک، رنگ میبازد. نمونه‌ها نشان میدهند که غالب پژوهشها یا در ذیل حوزه‌های پژوهشی ادبیات تطبیقی قرار میگیرند یا با پرداخت به دیگر مباحث همچون ادبیات تطبیقی، ماهیت ادبیات کودک، فلسفه، نقد و نظریه و ... از بحث و بررسی ماهیت ویژه ادبیات تطبیقی کودک عبور کرده‌اند. با مشاهده مطالعات عملی حیطه ادبیات تطبیقی میتوان دریافت نمونه‌های مختلفی که بررسی شده‌اند، به وضعیت این رشته و روش‌شناسی آن کمک شایانی نموده‌اند. حال آنکه چنین پژوهشهایی در ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان ایران صورت نگرفته است. بررسی و مطالعه ادبیات کشور خود در کنار مطالعات ادبیات دیگر کشورها و تلاش برای پیشرفت پشتوانه علمی کشور، ضرورتی دیرینه است؛ چراکه تنوع، به معنای غنا و چاشنی حیات فکری است. همچنین مطالعه چندین ادبیات ملی به منظور آگاهی یافتن از تنوع جهان در همان زمان، مشاهده وحدت و یگانگی در ورای تمامی ظواهر، امری ضروری است. رشته‌ای که امروزه ادبیات تطبیقی نام گرفته، بر چنین تفکری بنا نهاده شده است (یوست، ۱۳۹۸: ص ۲۳). پژوهش حاضر از نظر هدف، بنیادی و در نگاهی متعالی، توسعه‌ای است. براساس محیط گردآوری اطلاعات، نظری و اسنادی است. براساس ماهیت داده‌ها، کیفی است. در تحلیل داده‌ها، روش توصیفی-تحلیلی از نوع تحلیل محتوا مدنظر قرار دارد.

مبانی نظری

برچسب «کودک و نوجوان» در حوزه مطالعاتی ادبیات کودک و نوجوان، نشان میدهد آثاری که «برای کودکان نوشته شده و نه به دست آنها» (گرینی و رنولدز، ۱۴۰۰: ص ۱۸) موضوع بحث است. در تعاریف و اهداف و اهمیت این شاخه و ساحت از مطالعات، بر مخاطب ویژه یعنی کودک و نوجوان تأکید میشود؛ «ادبیات کودک لزوماً مقید به مخاطب است» (خسرونژاد، ۱۳۸۹: ص ۴۱)؛ همچنین مفاهیم «کودکی» و «نوجوانی» در عین حال که فرهنگ-وابسته، متکثر، مقید به جنسیت، سن، زمان، مکان، فرهنگ و... هستند، مطالعه آنها موضوعی بین‌رشته‌ای است و بر مبنای یافته‌های یک رشته خاص قابل تبیین نیست (همان: صص ۸۷-۸۵). همانطور که در ماهیت ادبیات تطبیقی، ارتباط با دیگر رشته‌ها وجود دارد؛ «ادبیات تطبیقی این قابلیت را دارد که در پیوند با سایر رشته‌ها و حوزه‌های مطالعاتی، بر غنای موضوعی و روش‌شناختی خود بیفزاید و چشم‌اندازهایی تازه و بکر را برای خود ترسیم کند» (حری، ۱۴۰۱).

در ارتباط با تعریف میان‌رشته‌ای^۱، پیشوند «میان/ بین» از نظر جفری بنینگتون^۲ ابهام‌دار است؛ «اینتر» (میان/ بین) هم میتواند به معنی شکل‌دهنده ارتباط فی‌مابین و به هم پیوندزنده باشد، همانطور که در واژه‌های «اینترنشنال»^۳ (بین‌المللی) و «اینتر کورس»^۴ (مراوده) معنا میدهد، هم میتواند به مفهوم جداسازنده و مجزادارنده باشد، همانطور که در واژه‌های «اینتروال»^۵ (فاصله/ رنگ) و «اینترکالیت»^۶ (به سال افزودن) دیده میشود. همین

¹ Inter-Disciplinary

² Geoffery Benington

³ International

⁴ Intercourse

⁵ Interval

⁶ Intercalate

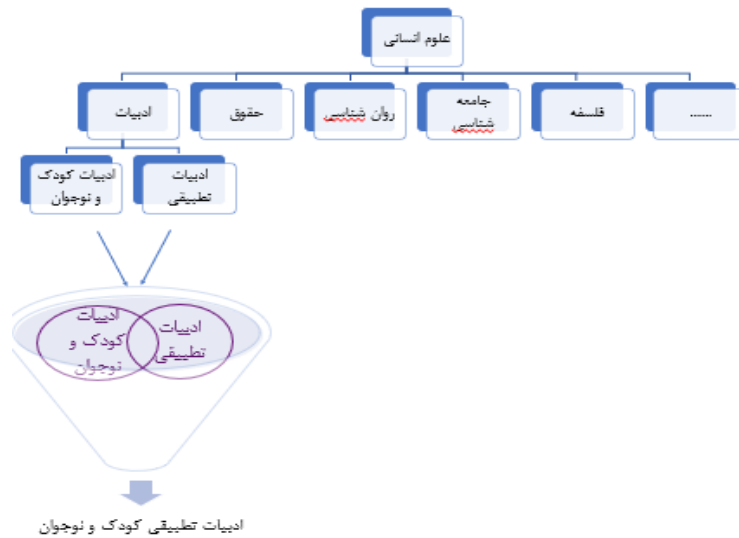
لغزندگی، از نظر وی در اصطلاح «اینتر دیسیپلینری» (میان‌رشته‌نگی) نیز بازتاب یافته است که می‌تواند دلالت بر ایجاد رابطه میان رشته‌های گوناگون کند و درعین حال به معنای ایجاد نوعی فضای فاقد نظم در شکاف میان رشته‌ها یا حتی مبادرت به فراتر رفتن از کل مرزهای رشته‌ای نیز باشد و در نهایت، میان‌رشته‌نگی در گسترده‌ترین معنای ممکن، دلالت بر هر صورت از گفت‌وگو یا هم‌کنشی میان دو رشته یا بیشتر به کار می‌رود. میان‌رشته‌نگی با «چندرشته‌نگی»^۱، نباید یکی دانسته شود؛ چراکه در چندرشته‌نگی، دو یا چند رشته کنار هم قرار می‌گیرند و این ارتباط مبتنی بر مجاورت است و تلفیقی صورت نمی‌گیرد؛ درحالی‌که میان‌رشته‌نگی در موافقت با نظر رولان بارت^۲، تبدیل‌پذیر^۳ است؛ یعنی در تلاقی‌اش با رشته‌های گسسته صورتهای تازه‌ای را از دانش پدید می‌آورد (مورن، ۱۳۸۷: صص ۲۱-۲۰). ادبیات کودک و نوجوان نیز به دلیل زوایا و مباحثی که در خصوص مخاطب آن مطرح می‌شود، در ساحتی میان‌رشته‌ای قرار دارد که در راستای ایجاد جمهوری جهانی کودکی، به ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان امکان وجود داده است؛ «مطالعات ادبیات کودک ماهیتی بینارشته‌ای دارد و ضرورتاً دارای فصل‌هایی مشترک با دیگر حوزه‌های پژوهشی است» (گرنبی و رنولدز، ۱۴۰۰: ص ۱۹). با دعوت «دیگری» به مرزهای افقی «خودی»، هویت خود را بازسازی و بازخوانی کرده است. ضمن گفت‌وگوی شبکه‌ای با ادبیات کودک دیگر فرهنگ‌ها و کشورها، با گفتمانهایی چون ادبیات تطبیقی نیز گفت‌وگو کرده و ضمن برقراری روابطی بینارشته‌ای و ترامنتی، ماهیت خود را با فلسفه، نقد و نظریه ویژه شکل داده است؛ در نتیجه همین فلسفه ویژه ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان، شبکهٔ مطالعات را بین رشته‌ها، رسانه‌ها، فرهنگها، جریانها و... در ماهیتی بیناگفتمانی رقم می‌زند.

ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان، فضایی ترامنتی و بینارشته‌ای برساخته از ساحت ادبیات کودک و نوجوان و ادبیات تطبیقی است؛ ادبیات کودک و نوجوان به مخاطب ویژه خود اختصاص یافته و به رسمیت شناخته شده است و در سایهٔ ارتباط بینارشته‌ای با ادبیات تطبیقی، ساحت ویژه خود را در ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان برمی‌سازد و شاخصهایی را در این ساحت می‌افزاید که در ادبیات تطبیقی کاربرد ویژه و متفاوت ندارد. این شاخصها در مقالی دیگر از پژوهشگران بررسی شده است. به عبارت دقیقتر، زیر چتر میان‌رشته‌نگی ادبیات تطبیقی و ادبیات کودک و نوجوان، ساحتی نوین سر برمی‌آورد که ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان نام دارد. این ساحت، به چهارچوب نظری، روش‌شناسی، مفهوم‌شناسی و قلمروشناسی ویژه خود نیاز دارد که بخشی از روش‌شناسی آن از طریق پژوهش پیشین مطرح شده است و بخشی از مفهوم‌شناسی و قلمروشناسی آن از طریق این پژوهش پرداخت می‌گردد. وضعیت ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان در تصاویر زیر قابل مشاهده است:

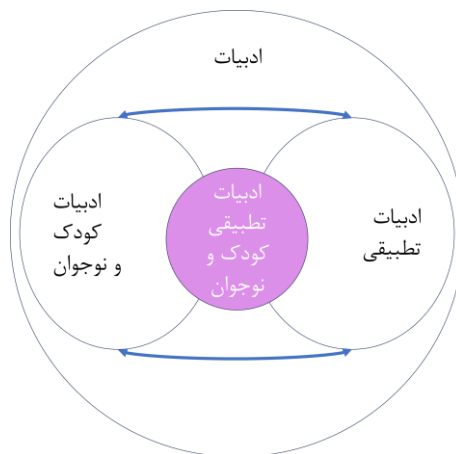
¹ Multi-disciplinary

² Roland Barthes

³ Transformative



تصویر ۱: وضعیت بینارشته‌ای ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان بین ادبیات کودک و نوجوان و ادبیات تطبیقی



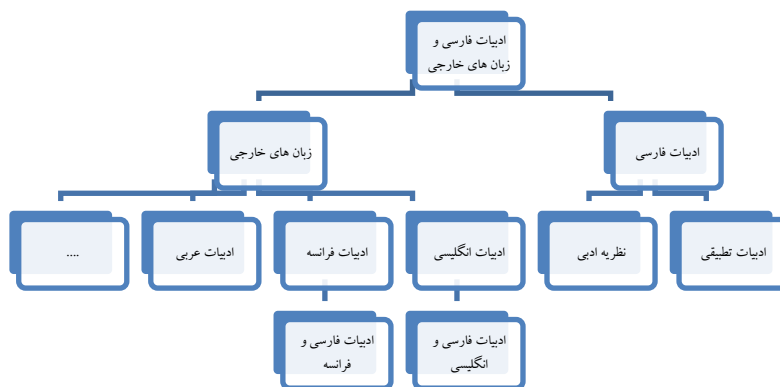
تصویر ۲: ارتباط بینامتنی ادبیات کودک و نوجوان و ادبیات تطبیقی در ساحت ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان اسالیوان^۱ معتقد است که ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان رویکرد ویژه خود را می‌طلبد؛ رویکردی که در حوزه‌های ویژه‌ای با جریان عمده ادبیات تطبیقی (بزرگسال) تفاوت دارد. وی پس از مطالعه و بررسی ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان در شماری از کشورها، دسته‌ها و گروه‌های جزئی‌تری را در حوزه‌های پژوهش نسبت به ادبیات تطبیقی حیطه ادبیات بزرگسال پیشنهاد می‌دهد.

^۱ O'Sullivan

تحلیل و بررسی

الف) ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان و دانشگاه

به باور پراور، ریشهٔ مقایسه تطبیقی به زمانی برمیگردد که رومیان اشعار و خطابه‌هایشان را با اشعار و خطابه‌های یونانیان مقایسه کردند و زمانی که آثار مکتوب به زبانهای مختلف در دسترس تطبیق‌گران قرار گرفت. اگر قرار باشد ادبیات تطبیقی بر مبنای چنین دید تطبیقی و روش مقایسه‌ای تعریف شود، به قدمت خود ادبیات است (یوست، ۱۳۹۸: ص ۴۷)؛ پیش از آنکه با چنین عنوان مستقلی مطرح گردد، تطبیق در عمل در مطالعات ادبی صورت می‌گرفت و بعدها بستر زایش رشتهٔ ادبیات تطبیقی در نظام دانشگاهی گردید و تطبیق به‌عنوان ابزار و نه هدف مدنظر قرار گرفت. به تدریج کرسیها و نشریه‌ها و پژوهشها افزایش یافت و این رشته در مراکز آموزش عالی بسیاری از جهان دایر گردید. سه شرط اساسی یعنی گروه دانشگاهی مستقل، انجمن علمی و نشریهٔ تخصصی که پشتوانهٔ دوام و گسترش و پیشرفت هر رشته‌ای است، برای ادبیات تطبیقی در ایران فراهم نیامده بود (انوشیروانی، ۱۳۸۹). ادبیات فارسی در جامعهٔ دانشگاهی، گاهی با علوم انسانی و زبانهای خارجی در یک دانشکده قرار دارد و گاهی با زبانهای خارجی و گاهی هر یک دانشکده مجزای خود را دارند. با این وضع، جایگاه ادبیات تطبیقی در گروههای ادبیات فارسی یا در گروههای زبانهای خارجی محل اختلاف است؛ در تصویر زیر میتوان این مسئله را ملاحظه کرد (نامور مطلق، ۱۴۰۱: صص ۸۲ - ۸۱) که باتوجه به سرفصلهای وزارت علوم، ادبیات کودک و نوجوان نیز باید به عنوان یکی از زیرشاخه‌های ادبیات فارسی به نمودار افزوده گردد:



نمودار ۱: جایگاه ادبیات تطبیقی در گروههای درسی دانشگاه (نامورمطلق، ۱۴۰۱: ص ۸۲)

در حال حاضر رشته ادبیات تطبیقی به‌عنوان گرایشی از دورهٔ ارشد رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی تصویب شده، نشریه‌های تخصصی در این زمینه توسط دانشگاه تربیت مدرس، بیرجند، رازی و شهیدباهنر کرمان و دانشگاه آزاد واحد یزد و جیرفت تنظیم گشته و انجمن ادبیات تطبیقی ایران از سال ۱۳۸۸ و کارگروه ادبیات تطبیقی انجمن ترویج ادب فارسی تشکیل شده است. همایشهای مربوط به ادبیات تطبیقی و هم‌سنجی متون نیز تاحدودی مورد توجه برنامه‌ریزان است. پژوهشگرانی چون علیرضا انوشیروانی، امیرعلی نجومیان، طهمورث ساجدی صبا، بهرام مقدادی، بهمن نامور مطلق، منصور پیرانی، اسماعیل آذر و... که در تشکیل انجمن و نشریه ادبیات تطبیقی نقش داشتند، برخی از فعالان این شاخه محسوب میشوند.

خلأ پژوهشی حول محور ماهیت، تاریخچه، مبانی، قلمرو و... در ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان ایران، به این علت است که هم‌گرایش ادبیات کودک و نوجوان و هم ادبیات تطبیقی، رشته‌هایی تازه تأسیس در ادبیات فارسی ایران محسوب میشوند و از طرف دیگر، غلبه‌گفتمان ادبیات بزرگسال و ادبیات تطبیقی حیطة ادبیات بزرگسال و دیگر گفتمانهای تقابلی، ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان را کمرنگ نموده و بر آن سایه افکنده و همانطور که ادبیات کودک در مراحل اولیه پذیرش در جامعه علمی و دانشگاهی، ادبیات اقلیت و به‌حاشیه رانده محسوب میشد، وضعیت ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان ایران نیز در چنین شرایطی باقی مانده است. نمونه مطالعات ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان ایران نشان میدهد همچون ادبیات تطبیقی حیطة ادبیات بزرگسال، پیش از پذیرفته شدن تحت یک عنوان و ساحت مستقل، به‌صورت عملی در مطالعات و پژوهشها صورت میگرفته است.

در ایران، دانشگاه شیراز پیشگام فعالیت‌هایی در تدوین و تهیه منابع نظری ادبیات کودک و نوجوان و ترجمه آثار خارجی به زبان فارسی بوده است. در طی این فعالیت‌ها، کتاب *ادبیات تطبیقی کودکان اثر اسالیوان* ترجمه شده است. یکی از مترجمان این کتاب، مریم جلالی، در مقاله «مبانی نقد بینامتنیت در ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان»، با استناد به مبانی نظری این حیطة، ضمن معرفی بینامتنیت و شالوده‌های آن به ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان میپردازد. درحالی‌که جلالی به واسطه بینامتنیت و مباحث نظری آن، ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان را بخشی از بررسی خود قرار میدهد، نیکولایوا در مقاله خود به واسطه ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان، تحلیل بینامتنی را در مطالعات تطبیقی ادبیات کودک کارگشا میدانند و آن را هدف تحلیل و بررسی خود قرار میدهد. در ایران، یکی از بخش‌هایی که از خلأ پژوهشی رنج میبرد، همین بخش است. ادبیات کودک در ایران از گفتمانهای حاشیه‌ای، ادبیات گروه اقلیت و گونه‌ای ادبیات مغلوب شمرده میشد که به‌سمت دستیابی به استقلال و ماهیت نظری و فلسفی ویژه خود حرکت کرده و نتایج قابل توجهی به دست آورده است. از زمان پذیرفته‌شدن ادبیات کودک و ادبیات تطبیقی به‌عنوان رشته‌ای دانشگاهی دیرزمانی نمیگذرد، از این‌رو ادبیات بزرگسال در کنار ادبیات کودک، تقابل دو گفتمان بوده که تقابلهای دیگری چون لذت/آموزش، خود/دیگری، تعلیم و تربیت/زیبایی و هنر، جبر/آزادی و... را رقم میزد و پژوهشها و تلاشهای فعالان سبب شده که نگاه تعاملی مطرح گردد. پژوهشهای زیادی در ارتباط با ادبیات کودک و «دیگری» شکل گرفته و «دیگری»های زیادی در مقابل ادبیات کودک (خارجی و داخلی) تبیین و تصویر و تحلیل شده‌اند تا مسیر نگاه تقابلی و فرادستی/ فرودستی کمرنگ یا خنثی شود. پایان‌نامه و مقاله ایزدپناه (۱۳۹۱ و ۱۳۹۴) به بررسی جلوه‌های دیگرانگی در ادبیات کودک و نوجوان ایران پرداخته است. مباحثی چون صدای دیگریهای گوناگون فرهنگی، قومی، زبانی، جنسیتی، نژادی و اندیشه‌ای به‌عنوان عناصر شکل‌دهنده هویت در ادبیات کودک و نوجوان، دیگری محسوب شدن ادبیات کودک و نوجوان در مقابل نظام آموزش رسمی کشور، دیگرانگیهای خاموش یا به‌حاشیه رانده در آن مطالعه شده است و بر این مطلب صحت میگذارد که ادبیات کودک یکی از زمینه‌های حضور یا حذف دیگری است و میتواند محمل مناسبی برای پژوهش در باب دیگری و دیگرانگی باشد. مشخصاً سومین دوره از همایش دوسالانه ادبیات کودک و مطالعات کودکی در سال ۱۳۹۷، به موضوع «ادبیات کودک و دیگری» پرداخته است و مقالات ارزشمندی ارائه شده‌اند. با ملاحظه موضوع آنان، میتوان انواع «دیگری» را از منظرهای گوناگون در مقابل یا همراستای ادبیات کودک دید. همچنین آقاپور (۲۰۱۷ و ۱۳۹۶) به مباحثی پیرامون تقابل خود/دیگری در ادبیات بزرگسال و کودک و گفتمان برخاسته از آنان پرداخته است. بنابراین بررسی ادبیات تطبیقی در حیطة ادبیات کودک، ملزم به تدقیق گفتمانی است که صدای «خودی» و «دیگری» را بازنمایاند. این گفتمان از طریق منابع و مباحث نظری و سپس نمونه‌های عملی

مورد مطالعه قرار می‌گیرد و بعد وضعیت آن در ایران، تصریح می‌گردد. لذا در این مسیر، به دلیل فقدان پژوهش‌های مستقل در باب ادبیات تطبیقی کودک، ضروری است به پژوهش‌هایی که به «خودی» و «دیگری» پرداخته‌اند، توجه شود.

در سرفصل دروس ارائه شده از وزارت علوم، درس اختیاری «ادبیات کودک و نوجوان در پرتو ادبیات تطبیقی» در گرایش کارشناسی ارشد ادبیات تطبیقی از رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی و درس اختیاری «ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان» در گرایش ادبیات کودک و نوجوان دورهٔ کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، به صورت مقایسه‌ای قابل تأمل است؛ هدف درس نامبرده در گرایش ادبیات تطبیقی، کسب شناخت دربارهٔ ادبیات کودک و نوجوان بر مبنای دیدگاه‌های ادبیات تطبیقی و در گرایش ادبیات کودک، آشنایی دانشجویان با معنا، اهمیت، ضرورت، مفاهیم، مقولات و روش‌های پژوهش در ادبیات تطبیقی کودک است که توجه دانشجو را به مواضع «خودی» و «دیگری» جلب مینمایند. با مشاهدهٔ اهداف و سرفصل‌های اصلی این درس در گرایش ادبیات کودک و با ملاحظهٔ صرفاً یک منبع پیشنهادی، میتوان به فقدان منابع نظری و درسنامه‌های دانشگاهی پی برد. این منبع، کتاب «ادبیات تطبیقی کودکان اسالیوان» است که در سال ۱۳۹۸ ترجمهٔ آن به کوشش مریم جلالی و محبوبه فرهنگی صورت گرفته است. در گرایش ادبیات تطبیقی نیز دانشجویان این رشته، پیشتر با منابع و مبنای نظری ادبیات تطبیقی آشنا شده‌اند، لذا همانطور که از نام درس برمی‌آید به مطالعهٔ ادبیات کودک در «پرتو» ادبیات تطبیقی می‌پردازند و صرفاً مطالعهٔ یک رشته در پرتو رشتهٔ دیگر به صورت ترکیبی، پاسخگوی شناخت ماهیت ویژهٔ آن نخواهد بود؛ چراکه ادبیات کودک، فلسفه و نقد و نظریهٔ ویژهٔ خود را می‌طلبد و ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان، فلسفه‌ای نو است که ماهیت ویژهٔ خود را دارد. لذا برای ورود به این شاخه، خلأ منابع و درسنامه‌ها و روش‌شناسی و نقد و نظریه‌پردازی طبق پیشینهٔ مورد مطالعه، وجود دارد که ضرورت انجام پژوهشی مستقل با چنین مسئله‌ای را نمایان می‌سازد. با وجود ترجمهٔ کتاب «ادبیات تطبیقی کودکان اسالیوان» به چند دلیل به نظر می‌رسد کماکان فقدان پژوهش در این شاخه از دانش در ایران وجود دارد؛ این کتاب بر بستری شکل می‌گیرد که نام و اشاره‌ای از ایران در میان کشورها به چشم نمی‌خورد. پس لازم است با الگو قرار دادن آن، بر مبنای پژوهش‌های صورت گرفته در ایران به بازخوانی و بومی‌سازی آن پرداخت. همچنین در این کتاب، کمتر به گفتمان‌های برخاسته از ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان نگریسته یا اشاره شده است. باید ضمن الگو قرار دادن ادبیات تطبیقی حیطهٔ ادبیات بزرگسال، ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان را بر پایهٔ ویژگی و شرایط ویژه‌اش در ایران بازنگری و تدوین کرد. با مراجعه به سرفصل دروس وزارت علوم، جزئیات هر دو درس از سرفصل هر دو گروه به صورت مقایسه‌ای در جدول زیر قابل مشاهده است:

جدول ۱: گرایش‌های دوره ارشد ادبیات تطبیقی و ادبیات کودک و نوجوان به صورت مقایسه‌ای

ادبیات تطبیقی	ادبیات کودک و نوجوان	گرایش
کسب شناخت دربارهٔ ادبیات کودک و نوجوان بر مبنای دیدگاه‌های ادبیات تطبیقی	آشنایی دانشجویان با معنا، اهمیت، ضرورت، مفاهیم، مقولات و روش‌های پژوهش در ادبیات تطبیقی کودک	هدف
-تبیین پیوندها میان ادبیات کودک و نوجوان ایران و دیگر ملل	-معنا، اهمیت و ضرورت پژوهش‌های تطبیقی در ادبیات کودک -بررسی مقایسه‌ای سیر ادبیات کودک در کشورهای گوناگون	سرفصل‌های اصلی درس

<p>-بررسی مقایسه‌ای انواع گوناگون ادبی ویژه کودک در فرهنگهای گوناگون -بینامتنیت و ادبیات تطبیقی کودک -ترجمه و ادبیات تطبیقی کودک (با تأکید بر مفهوم مترجم نهفته (مستتر)) -روش پژوهش در ادبیات تطبیقی کودک</p>	<p>-انجام مقایسه‌هایی بر مبنای روشهای ادبیات تطبیقی میان ادبیات کودک ایران و سایر کشورها -کسب مهارتهای لازم در پرتو مطالعات ادبیات تطبیقی برای همکاری با نهادهای مرتبط با ادبیات کودک و نوجوان</p>	
<p>تدریس با کنفرانس و بحث گروهی و انجام پژوهش به عنوان نمونه تکلیف</p>	<p>ارزیابی با آزمونهای نوشتاری و تحقیق</p>	<p>روش ارزشیابی / تدریس</p>
<p>Comparative children's literature, Emer O-Sullivan, London: Taylor & Francis, 2007.</p>	<p>-پولادی، کمال (۱۳۹۱)، مروری بر پیشینه ادبیات کودک و نوجوان، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان -جلالی، مریم (۱۳۹۵)، شاخص‌های اقتباس در ادبیات کودک و نوجوان، تهران: زنان ناشر. -رن، کیمبرلی (۱۳۹۴)، ادبیات کودک (جان کلام)، ترجمه مهدی حجوانی، تهران: افق -میرهادی، توران و دیگران (۱۳۹۷)، گذری در ادبیات کودکان، تهران: شرکت تهیه و نشر فرهنگنامه کودکان و نوجوانان -میرهادی، توران (۱۳۸۸)، فرهنگنامه کودکان و نوجوانان، تهران: شرکت تهیه و نشر فرهنگنامه کودکان و نوجوانان -یوسفی، محمدرضا (۱۳۸۶)، زمینه شناخت ادبیات کودکان و نوجوانان، تهران: پیک بهار -و منابع بیشتر به انتخاب استاد با رویکردی تطبیقی</p>	<p>منابع</p>

مطابق جدول، لازم است دانشجویان گرایش ادبیات تطبیقی، منابع مربوط به ادبیات کودک را و دانشجویان گرایش ادبیات کودک، منابع مرتبط با ادبیات تطبیقی را مطالعه کنند؛ ضرورت این آشنایی نظری، به میان‌رشتگی ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان برمیگردد.

در ادبیات تطبیقی کودک، اگر مطالعه بر پایه و اساس ادبیات کودک باشد، پشتوانه مستحکمتر و جزئیات بیشتری را در برمیگیرد و از گفتمان غالب بر ادبیات تطبیقی حیطه ادبیات بزرگسال دور میشود و ادبیات کودک را از چشم‌انداز ادبیات تطبیقی مینگرد، نه ادبیات تطبیقی را از منظر ادبیات کودک. با تعمیم ادبیات تطبیقی به صورت کلی به ادبیات کودک، احتمال غفلت و طرد برخی جزئیات مهم و روشها و رویکردهای ویژه رخ میدهد؛ در نتیجه لازم است که بر پایه ادبیات کودک و نوجوان، ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان مطالعه گردد. بنابر نظر صاحب‌نظران که ادبیات کودک باید ملموس و محلی باشد، تحقق چنین انتظاری از این کتاب در خصوص ادبیات کودک ایران کمتر به نظر میرسد.

ب) قلمروها

در منابع نظری ادبیات تطبیقی، حوزه‌ها و قلمروهای پژوهش در حوزه‌هایی کلی دسته‌بندی شده است؛ ادبیات تطبیقی از زمان تکوین در اوایل قرن نوزدهم، مسائل متفاوتی را در مفهوم، جایگاه و پیکره پشت سر گذاشته است (مارچتیچ، ۱۴۰۱: ص ۴۰). از نظر یوست، گروه اول ضمن ناهمگنی زیرشاخه‌ها، به آثاری می‌پردازد که با یکدیگر قرابتی سازماندهی شده‌اند. در این گروه پیوندها و همبستگیهای خاص به صورت‌های: تأثیر اثری در اثر دیگر، تشابهات بین چند اثر (خواه ارتباط بین آنها به‌صورت گیرنده-فرستنده باشد خواه علت-معلول)، ترجمه، مطالعات میان-رشته‌ای متعدد ادبیات تطبیقی و حوزه‌های فرهنگی، قرار می‌گیرند. گروه دوم شامل بررسی تطبیقی مکتبها و جریانهای ادبی است. گروه سوم به تحلیل آثاری می‌پردازد که از جنبهٔ فرم درونی و برونی یعنی ژانر به هم مرتبط هستند. به عبارت دقیقتر، این گونه مطالعات که سالها به‌صورت سنتی در ادبیات ملی رایج بود، در مقیاسی بین‌المللی بررسی میشوند. گروه چهارم مطالعهٔ مضمونها و بن‌مایه‌ها و شخصیتها را در برمیگیرد. این رویکردها به‌تنهایی به درک کامل از پدیدهٔ ادبی نمی‌انجامند و ممکن است به بیش از این گروه‌بندی چهارگانه نیاز شود (یوست، ۱۳۹۸: صص ۱۳-۱۲).

از دید اسالیوان با اینکه ایدئولوژیها و فشارهای بازار جهانی در پایان سدهٔ بیستم، این پیش‌فرض آرمانگرایانه را به جهانگرایی متفاوتی سوق داده بود، اما فرض یا ایدهٔ آرمانی ایجاد جمهوری جهانی کودکی که حاکی از جهانی شدن جهان کودک، مفهوم و ماهیت و واقعیت کودکی، تعیین و استقلال کودک و توجه به نیازها و خواسته‌های او و ادبیات ویژهٔ اوست از یاد نرفت و دغدغهٔ پژوهشگران، محققان و نظریه‌پردازان ادبیات کودک و نوجوان باقی ماند و از جریان عمدهٔ جهانی شدن جا نماند. ایدهٔ جمهوری جهانی کودکی، در خود یک نگاه و چشم‌انداز فراملی را نشان میدهد که فلسفه و ماهیت جهانی ادبیات کودک نیز از آن قابل دریافت است. به تدریج بازار تألیفات رونق گرفت، دادوستدهای جهانی افزایش یافت و ترجمه‌ها زمینه‌ساز تطبیق آثار با یکدیگر شدند. لذا در کنار پژوهشهای تطبیقی و مقایسه‌ای که برای شناخت ادبیات کودک در محدودهٔ ادبیات ملی صورت می‌گرفت، مطالعات تطبیقی در عرصهٔ فراملی و اصطلاحاً ادبیات تطبیقی در عرصهٔ جهانی برجسته‌تر و نیاز آن بیشتر لمس میشود.

باوجود اختلاف‌نظرهای موجود در تعریف ادبیات تطبیقی و ماهیت آن، میتوان با این سخن ولک موافق بود:

«ادبیات «تطبیقی» اصطلاحی جافتاده برای هر نوع مطالعه‌ی ادبی فراتر از مرزهای ادبیات ملی شده است. خرده-گیری از ساخت این ترکیب (ادبیات+ تطبیقی) و اصرار به این که باید آن را «مطالعه‌ی تطبیقی ادبیات» نامید، کاربرد چندانی ندارد، زیرا همه همین مفهوم را از آن در می‌یابند» (ولک، ۱۳۹۹: ص ۲۰).

بنابراین با پذیرفتن ادبیات تطبیقی به‌عنوان مطالعهٔ تطبیقی ادبیات و امکان‌مندی این نوع مطالعه در ادبیات کودک و نوجوان، چهار حوزهٔ پژوهشی ادبیات تطبیقی یوست مطرح میشود که حاکی از آغاز چالشهای ادبیات تطبیقی کودک با ادبیات تطبیقی است؛ با اینکه یوست اشاره میکند این حوزه‌های چهارگانه میتوانند افزایش یابند، اما این حوزه‌ها به‌صورت الگو در ادبیات تطبیقی پذیرفته شده است. به‌طور مثال، کتاب‌های دومینگز و دیگران (۱۳۹۹)، پراور (۱۳۹۳) و... به همین حوزه‌ها توجه نشان داده و آنها را تدقیق کرده‌اند و گفتمان ادبیات تطبیقی با این الگو صورت‌بندی یافته و غالب گشته است. در مقابل، پژوهشگرانی هستند که بر مطالعات تطبیقی و ادبیات تطبیقی در حیطهٔ ادبیات کودک متمرکز شده‌اند. حتی برخی اساتید و پژوهشگران ادبیات تطبیقی نیز در این مسیر گام برداشته‌اند. یکی از آنها، پل هازارد است. ماریا نیکولایوا و ایمر اسالیوان از دیگر پژوهشگران برجستهٔ ادبیات کودک هستند که به ادبیات تطبیقی کودک علاقه نشان داده‌اند. اسالیوان معتقد است که اگر مطالعات ادبیات کودک

نتوانند دامنه خود را تا سطحی فراملی و جهانی گسترش دهند، دیگر نمیتوانند به توضیح و توجیه این واقعیت بپردازند که آثار ادبیات کودک مرزهای زبانی و فرهنگی را در می‌نوردند (اسالیوان، ۱۳۹۸: ص ۱۴). بنابراین ادبیات کودک برای توجیه و تبیین دادوستدهای زبانی و فرهنگی و بسا دیگر مسائل ویژه خود به ادبیات تطبیقی به‌عنوان ماهیتی ذاتی و سرشتی بالقوه نیاز دارد تا به فعلیت درآید.

پرسشهایی از این دست کنجکاوی پژوهشگران را برمی‌انگیزد که قلمرو مطالعات ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان ایران مبنی بر قلمروهای ادبیات تطبیقی است یا پیشنهاد اسالیوان؟ پرسشهایی این‌چنینی که وضعیت و ماهیت ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان را در مقایسه با ادبیات بزرگسال از یک طرف و در مقایسه با ادبیات تطبیقی کودک مدنظر اسالیوان به‌عنوان نمونه‌ای برجسته و نماینده غربی این پژوهشها از طرف دیگر، مدنظر قرار میدهند و همچنین پاسخ به پرسشهای مربوط به قلمروها، حوزه‌ها و موضوعات مرتبط با مطالعات تطبیقی ادبیات کودک و نوجوان ایران و ساختار پژوهشهای این حیطه از ادبیات تطبیقی، ناگفته‌هایی است که ضرورت تأمل و تحلیل و بررسی ویژه‌ای را نشان میدهد.

مبنی بر پیش‌فرضهای فوق، ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان، خوانش متفاوت همراه با بینش مقایسه‌ای ادبیات کودک و نوجوان است که نتیجه طبیعی پیشرفت تاریخی مفاهیم کودک، کودکی و ادبیات کودک است؛ پژوهشهایی که گفتمان تاریخی آن مفاهیم را تدقیق کرده‌اند، دوران پیش‌از تاریخ کودکی، دوران تاریخی کودکی و دوران پس‌از تاریخ کودکی یا به‌عبارت دیگر، دوران پیشامدرن، مدرن و پسامدرن را از تحلیل گفتمان نتیجه گرفته‌اند. این دورانه‌ها و گفتمانهای هر دوران، نگاه خاص خود را به کودک نشان میدهد؛ نیروی انسانی که در حلقه کوچک خانواده و قوم، به مثابه نیروی کار نگر بسته میشود؛ انسانی که به تدریج در ملیتهای مختلف مورد توجه قرار گرفت؛ کودکی که با نیازهای متفاوت به‌عنوان کودک در سطحی جهانی و انسانی تعیین یافت و نهادهای دفاع از حقوق کودکان و تلاش جهت احقاق حقوق آنان و ایجاد جمهوری جهانی کودکی برای آنان شکل گرفت. این تصویری تاریخی از حلقه‌های بهم فشردگی تغییر مفهوم و ماهیت و جایگاه کودک و گفتمان کودکی را نشان میدهد. پس ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان نیز همانند ادبیات تطبیقی، فلسفه‌ای نو در ادبیات و نظریه‌ای جدید در علوم انسانی است که به‌علت زوایای چندوجهی مطالعه کودک و کودکی، یعنی چشم‌انداز رشته‌هایی چون: روانشناسی، علوم تربیتی، ادبیات، جامعه‌شناسی، سینما، مطالعات فرهنگی و... به کودک و نوجوان، حقیقتی میان‌رشته‌ای در خود دارد و در نوع خود، تمامی چشم‌اندازها را به وحدت میرساند و در قلمرو خود تحت مطالعه و مذاقه قرار میدهد.

قلمرو نه‌گانه پیشنهادی اسالیوان برای پژوهش در ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان (ذبیحی، ۱۴۰۰) در جدول شماره ۲ قابل ملاحظه است. با ملاحظه حوزه‌های پیشنهادی اسالیوان و ادبیات تطبیقی، میتوان جزئی‌نگری و جنبه‌هایی از تفاوت را همانطور که بین ادبیات کودک و ادبیات بزرگسال بنابر ویژگیهایی وجود دارد، پیش‌بینی کرد. یوست بر این باور است «اغلب ادعا می‌شود که ادبیات تطبیقی روش‌های نقد خاص خود را دارد. این ادعا چندان صحیح نیست: اصولاً روش کار در مورد موضوعاتی که به یک یا چندین ادبیات تعلق دارند یکی است» (یوست، ۱۳۹۸: ص ۴۸) و معتقد است که ممکن است «مواد» و «ابزار» متفاوت باشد اما «اصول» یکی است و تمام روشهایی که به درک کلی ادبی مانند مطالعه در ارتباطات و تأثیرات ادبی، نهضتها و جریانها، ژانرهای ادبی و مضامین و بن‌مایه‌ها می‌پردازند، در مطالعه ادبیات ملی یا بخشی از آن رایج و معمول است. برای مثال، میتوان با استفاده از روش قیاسی یا استقرایی بر اسناد تکیه کرد یا شباهتها را یافت. حقایق و عوامل، ابزار و شگردها ممکن

است متفاوت باشند اما هیچ روش تحقیق خاص ادبیات تطبیقی وجود ندارد. تفاوت تنها در حیطه موضوع و وسعت مطالعه است (همان: ص ۴۹). ولک اشاره میکند که مطالعه ادبی، حتی در کار سنتی‌ترین متخصصان تطبیقی، تنها با روش تطبیق پیش نمی‌رود. متخصص ادبی تنها به تطبیق اکتفا نمی‌کند، بلکه بازآفرینی، تحلیل، تفسیر، بازخوانی، ارزیابی، جمع‌بندی و جز اینها همه را یکجا انجام می‌دهد (ولک، ۱۳۹۹: ص ۵۶). ولک می‌گوید که از بطن ملغمه‌های مربوط به «بحران»ها و نزاعها و اختلاف نظرهای این رشته و موضوع و تعریف آن، سمت‌وسوی بهتری رقم بزند؛ از نظر ولک، ادبیات تطبیقی به بحرانی عمده مبتلا بود، زیرا نه موضوع مطالعه (تأثیرات بین ادبیات‌ها) و نه روش (مقایسه) مخصوص خود را داشت. بعد از وی، هنری رماک^۱ در مواجهه با بحران ادبیات تطبیقی و به‌منظور گذر از آن، تعریفی جدید از ادبیات تطبیقی ارائه داد که گرچه به دو معضل مدنظر ولک نپرداخته و به‌رغم اقبال عمومی، نتوانست گره‌ای از آن بحران باز کند، اما حوزه ادبیات تطبیقی را از بینادبی بودن (مقایسه سنتی ادبیاتهای متفاوت) به بیناهنری بودن (مقایسه ادبیات و دیگر هنرها) و بیناگفتمانی بودن توسعه داد. پس از گذشت چندین سال، تطبیقدانانی چون سوزان بسنت^۲ در سال ۱۹۹۳ و گایاتری اسپواک^۳ در سال ۲۰۰۳ از «مرگ» ادبیات تطبیقی سخن گفتند. آنچه آنان تدقیق می‌کردند، نامعتبر شدن برخی اشکال کاربرد ادبیات تطبیقی بود. بسنت تأکید می‌کرد که این نامعتبر شدن به «روش» [یکی از دو معضل مؤکد ولک] برمیگردد و اسپواک مشکل اصلی را در اروپامحوری بنیادین ادبیات تطبیقی و ادغام آن با دیگر حوزه‌ها میدانست (دومینگز و دیگران، ۱۳۹۹: صص ۱۷-۱۶). بنابراین به‌نظر میرسد ولک به اینکه ادبیات تطبیقی روش ویژه خود را ندارد و یا اینکه روش تطبیق و مقایسه در ادبیات تطبیقی و دیگر ادبیات‌ها یکی و مشابه است، انتقاد دارد. به همین دلیل است که در مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی که وی یکی از دست‌اندرکارانش بوده، برخلاف مکتب فرانسوی که برای اثبات روابط تاریخی آثار ادبی به شاخه تاریخ ادبیات از طریق روشهای یوزیتویسم (اثبات‌گرایی قرن نوزدهم) و ارائه مدارک و مستندات تاریخی می‌پرداخت، هم حوزه‌های مطالعات به سایر رشته‌های علوم انسانی (مطالعات میان‌رشته‌ای) و هم روش مطالعه به فلسفه نقد و نظریه ادبی جدیدی سوق می‌یابد. نخله نوین ادبیات تطبیقی که به تعبیر استیون توتوسی^۴ ادبیات تطبیقی نو^۵ بود، با رشته جدیدی به نام مطالعات فرهنگی^۶ ترکیب شد و رشته جدید «مطالعات تطبیقی ادبیات و فرهنگ»^۷ که امروزه از اهمیت و جایگاه خاصی برخوردار است به وجود آمد. پژوهشگران این نخله بر این باورند که چون ادبیات یکی از چندین گفتمان فرهنگی است، باید آن را در بافت و خاستگاه اجتماعی-فرهنگی آن مورد مطالعه قرار داد (انوشیروانی، ۱۳۸۹). این خود نشانه گذر از بحران «مرگ» ادبیات تطبیقی بود که همچون تعریف(های) ادبیات تطبیقی، چالشهای زیادی را در تفهیم مطالب به‌همراه داشت.

حوزه‌های پژوهشی ادبیات تطبیقی کودک بنابر پیشنهاد اسالیوان نسبت به حوزه‌های کلی ادبیات تطبیقی، جزئیتر است؛ منظور از کلی بودن، در مقابل ادبیات تطبیقی کودک است که حوزه‌های پیشنهادی اسالیوان به‌عنوان حوزه‌های «خودی» و حوزه‌های ادبیات بزرگسال، حوزه‌های «دیگری» محسوب میشود؛ لذا حوزه‌های خودی از جزئیات بیشتری برخوردار است چراکه بر پایه ادبیات کودک و مبانی نظری و شرایط ویژه این ادبیات تنظیم شده

¹ Henry Remak

² Susan Bassnett

³ Gayatri Spivak

⁴ Steven Tötösy

⁵ New Comparative Literature

⁶ Cultural Studies

⁷ Comparative Studies of Literature and Culture

است. یکی از مقایسه‌ها، می‌تواند مقایسه سه روش کلی منتج از نظریه «تأثیر»، «توازی» و «بینامتنیت یا گفت-وگومندی» در ادبیات بزرگسال با سیر تطور روش‌شناسی ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان باشد. نظریه تأثیر، سنتی‌ترین روش نقد تطبیقی است و متن اصلی را به عنوان متن معیار و «تأثیر» از آن را مورد مطالعه قرار می‌دهد. در نظریه توازی، متون متفاوت براساس تشابه در یک نمونه و الگوی پیشین با یکدیگر مقایسه می‌شوند. در نظریه بینامتنیت یا گفت‌وگومندی، تأکید بر این پیش‌انگاره است که رد پای اثر پیشین به صورت نشانه‌هایی در درون دیگر آثار وجود دارد. گفت‌وگومندی، «شبکه» را جایگزین «سلسله مراتب» و بررسی در زمانی را با هم‌زمانی تلفیق می‌کند (نجومیان، ۱۳۹۱). جهان به گونه سنتی خود، براساس پارادایم دوگانه «خودی» و «دیگری» تعریف می‌شود. اما جهان امروز دعوت «دیگری» به دنیای «خود» است. از این روی، خواندن هر متنی با دعوت «دیگری» به درون متن، وابسته به «دیگری» انگاشته می‌شود. «مرز» نیز همچنان پابرجاست ولی متون متفاوت در گستره‌ای افقی در کنار هم خوانده می‌شوند. «هویت» در تعریف معاصر در حال ساخته شدن یا بازسازی است (همان).

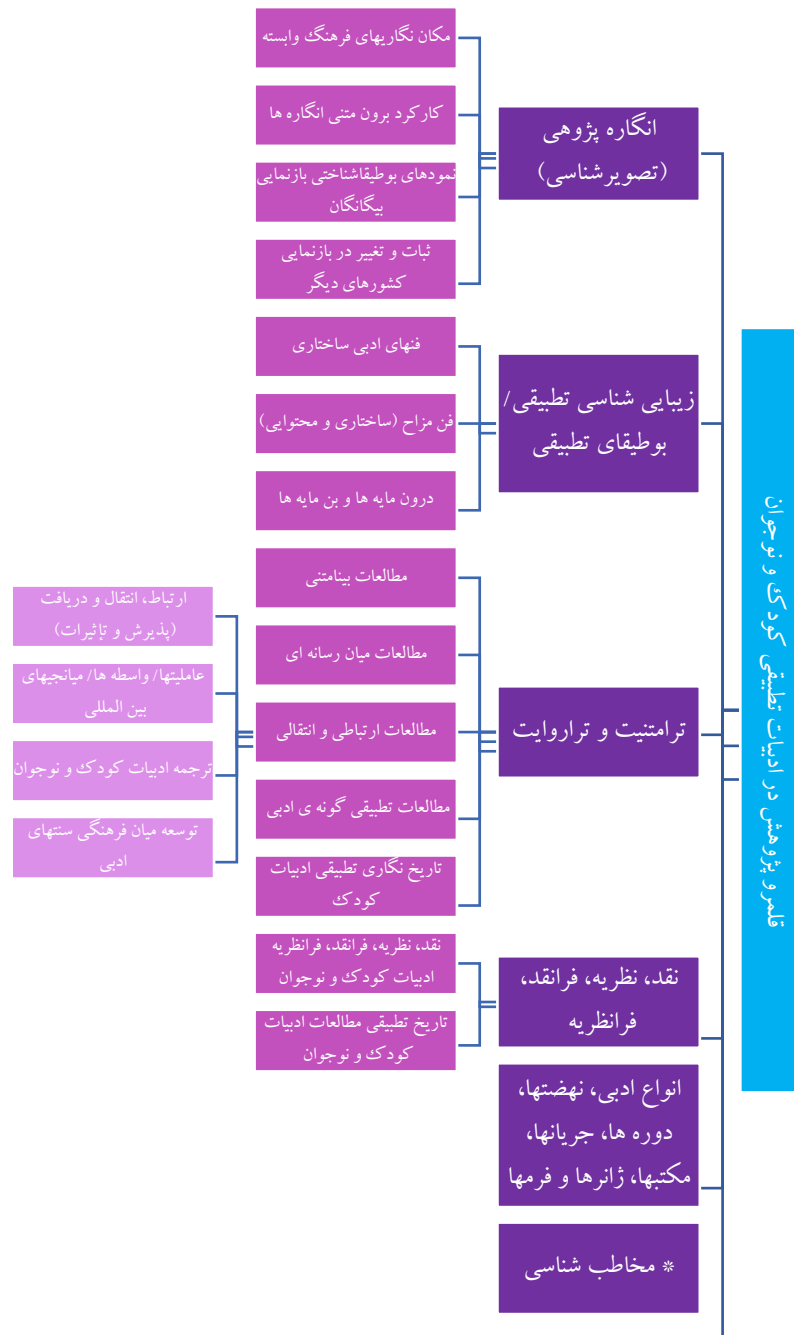
در نتیجه تمامی پیش‌فرضهای گفته‌شده، ادبیات کودک و نوجوان بنابر ماهیت جهانی خود، در راستای ایجاد جمهوری جهانی کودکی، به ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان امکان وجود می‌دهد؛ با دعوت دیگری به مرزهای افقی خود، هویت خود را بازسازی و بازخوانی می‌کند. ضمن گفت‌وگوی شبکه‌ای، با ادبیات کودک دیگر فرهنگها و کشورها، با گفتمانهایی چون ادبیات تطبیقی حیطه ادبیات بزرگسال نیز گفت‌وگو نموده و ضمن برقراری روابطی بینامتنی، ماهیت ویژه خود را با فلسفه، نقد و نظریه متفاوت شکل می‌دهد؛ این فلسفه ویژه ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان، شبکه مطالعات را بین رشته‌ها، رسانه‌ها، فرهنگها، گونه‌ها، جریانها و... در ماهیتی بیناگفتمانی رقم می‌زند. در ایران، ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان از چه پشتوانه نظری و عملی برخوردار است، قلمرو خودی و دیگری و روشهای مطالعه تطبیقی ادبیات کودک کدام‌اند، آسیبهایی موجود در مطالعات حیطه ادبیات تطبیقی کدام است و ادبیات تطبیقی کودک در ایران چه گفتمانی را در مقایسه با ادبیات تطبیقی «دیگری» (ادبیات تطبیقی کودک در مرزهای دیگر و ادبیات تطبیقی) صورت‌بندی مینماید، چه شباهتها و تفاوتهایی را نشان می‌دهد و چه موضوع و محتوایی را در مطالعات شامل می‌شود، قابل تأمل است. حوزه‌های پیشنهادی ادبیات تطبیقی و ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان در جدول زیر قابل ملاحظه است:

جدول ۲: حوزه‌های پژوهش در ادبیات تطبیقی و ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان

محقق	حوزه‌های پیشنهادی
یوست	<ul style="list-style-type: none"> ➤ ارتباطات ادبی و پیوندها و همبستگیهای خاص مثل تأثیر و تأثر، تشابهات، مطالعات میان-رشته‌ای و حوزه‌های فرهنگی ➤ مکتبها، جریانهای ادبی و نهضتها ➤ ژانرها و فرمها ➤ مطالعه مضمونها، بن‌مایه‌ها تیپها و شخصیتها
پراور	<ul style="list-style-type: none"> ➤ پذیرش و ارتباطات و واسطه‌ها ➤ تأثیر و تأثر و شباهت و سنت ➤ ترجمه و اقتباس ➤ انواع ادبی، نهضت‌های ادبی و دوره‌های ادبی ➤ مضمونها و پیش‌نمونه‌ها/ بن‌مایه‌ها ➤ ساختار و اندیشه‌ها ➤ مکان‌بندی ➤ نظریه و نقد

<ul style="list-style-type: none"> ➤ روابط درون شاخه‌ای / درون رشته‌ای ➤ عناصر درون متنی • زبان: درون زبانی / بینا زبانی • موضوع: درون موضوعی / بینا موضوعی • مضمون: درون مضمونی / بینا مضمونی • اسطوره: درون اسطوره‌ای / بینا اسطوره‌ای ➤ عناصر پیرامنتی • نام مؤلف: درون مؤلفی / بینا مؤلفی • عنوان: درون عنوانی / بینا عنوانی • طرح جلد: درون طرحی / بینا طرحی • مجموعه: درون مجموعه‌ای / بینا مجموعه‌ای • مقدمه: درون مؤلفی / بینا مؤلفی • پیشکش‌نامه: درون شخصی / بینا شخصی ➤ عناصر سرمنتی • نظام: درون نظامی / بینا نظامی • گونه: درون گونه‌ای / بینا گونه‌ای • مکتب: درون مکتبی / بینا مکتبی • سبک: درون سبکی / بینا سبکی ➤ عناصر بافتاری • فرهنگ: درون فرهنگی / بینا فرهنگی • زمان: درون زمانی / بینا زمانی • مکان: درون مکانی / بینا مکانی • مؤلف: درون مؤلفی / بینا مؤلفی ➤ ترکیب عناصر ➤ روابط بینا شاخه‌ای / بینا رشته‌ای 	<p>نامور مطلق</p> <p>ادبیات تطبیقی</p>
<ul style="list-style-type: none"> ➤ مطالعهٔ منابع و تأثیر و تأثر ➤ مهاجرت بن‌مایه‌ها و درون‌مایه‌ها از یک ادبیات ملی به دیگری ➤ ارتباط‌شناسی ➤ درون‌مایه‌شناسی یا مضمون‌شناسی ➤ تاریخ افکار ➤ تحلیل و نقد ادبی ساختارگرایانه ➤ تاریخ فرهنگ ➤ مطالعات پذیرش ➤ برون‌فرست و توافرست 	<p>مارچتیج</p> <p>ادبیات تطبیقی</p>
<ul style="list-style-type: none"> ➤ نقد و نظریه ادبیات کودک ➤ مطالعات ارتباطی و انتقالی ➤ مطالعات بینامنتی ➤ مطالعات میان‌رسانه‌ای ➤ بوطیقای تطبیقی ادبیات کودک ➤ مطالعات تطبیقی گونه‌ی ادبی ➤ انگاره‌پژوهی ➤ تاریخ‌نگاری تطبیقی ادبیات کودک ➤ تاریخ تطبیقی مطالعات ادبیات کودک 	<p>اسالیوان</p> <p>ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان</p>

پژوهش حاضر دسته‌بندی زیر را برای حوزه‌های پژوهشی ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان در ایران در قالب نمودار زیر پیشنهاد می‌دهد:



نمودار ۲: حوزه‌های پیشنهادی پژوهش در ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان

در تبیین و تفسیر نمودار بالا که حاصل تأملات و بررسی‌های قلمروها و حوزه‌های موجود در ادبیات تطبیقی بزرگسال و ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان است، باید به این نکته اشاره کرد که از میان گروه‌های پژوهشی ادبیات تطبیقی بزرگسال، انواع ادبی و نهضتها و فرمها در گروه مجزایی در این دسته‌بندی جدید حوزه‌های ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان ذکر شده است. در باقی گروهها با تغییر در عنوان و نحوه دسته‌بندی، نسبت به گروه‌بندی نه‌گانه اسالیوان، تغییر و تحولاتی ایجاد شده است؛ انگاره پژوهی و بوطیقای تطبیقی به عنوان گروه مستقل در جای خود باقی هستند؛ در انگاره پژوهی، پژوهشگر ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان میتواند به بررسی تصویرهایی از خودی/دیگری در متنهای ادبی از کشورها، فرهنگها، گروههای قومی و نژادی و برهم‌کنشهای عنصرهای فرهنگی و ادبی بپردازد و به حوزه نقد ادبی، شرق‌شناسی، مطالعات پسااستعمارگرایی، مطالعات دگرشناسی، تاریخ اندیشه و مطالعات فرهنگی وارد شود و از این چشم‌اندازها به تحلیل بازنماییهای مصداقهای خودی و دیگری جهت خودانگاره-شناسی بپردازد. ریزموضوعاتی که در این شاخه میتوان مطالعه کرد: توصیف چشم‌اندازها و موقعیت جغرافیایی فرهنگهای مختلف است که تحت عنوان مکان‌نگاریهای فرهنگ‌وابسته از سوی اسالیوان مطرح گشت. دیگر ریزموضوع، بررسی کارکرد برون‌متنی انگاره‌های کشورهای دیگر است که براین اساس تضادهای میان انگاره‌های خود و دیگری باعث تقویت آگاهی خواننده از هویت فرهنگی خود میشود. ریزموضوع جنبه‌های بوطیقاشناختی بازنمایی بیگانگان، از انگاره‌های شناخت‌پذیر آشنای کشوری ویژه تحت عنوان کلیشه‌های ملی بحث میشود که جزئی از چهارچوب عمومی و چهارچوب بینامتنی ادبیات هستند. بحثهای زیبایی‌شناختی را می‌توان از بازنمایی دیگران در متون ادبی صورت بخشید. آخرین ریزموضوع این شاخه، ثبات یا تغییر در بازنمایی کشورهای دیگر است.

با توجه به اینکه در دسته‌بندی اسالیوان، بینامتنیت و گفت‌وگومندی متون یا عناصر متون، به‌شکلهای مختلف مطرح گشته است، میتوان یک گروه کلانتر در نظر گرفت؛ گروه ترامتنیت و تراروایت برای این دسته‌بندی پیشنهاد گردید تا زیرگروههای مرتبط خود را در دسته‌بندی جزئیتر داشته باشد. مطالعات بینامتنی، مطالعات میان‌رسانه‌ای، مطالعات ارتباطی و انتقالی، مطالعات تطبیقی گونه‌ی ادبی، تاریخ‌نگاری تطبیقی ادبیات کودک در این زیرگروه قرار می‌گیرند. ارتباط، انتقال و دریافت در زیرشاخه مطالعات ارتباطی و انتقالی، با مباحث پذیرش و تأثیرات و شباهتها در ادبیات تطبیقی بزرگسال همسو است؛ بسیاری از پژوهشهای ادبیات تطبیقی، در حوزه تأثیرات و تشابهات می‌کنند. برای این بررسی، روشهای مختلفی پیش روی پژوهشگر قرار دارد. لزوماً بررسی درباره تأثیر یک نویسنده نیست، بلکه تأثیر کل گروهی یا مکتبی متشکل از چند نویسنده را میتوان بررسی کرد. میانجیهای بین‌المللی در مباحث پراور تحت عنوان عاملیتهای ادبی یا واسطه‌های بین‌المللی مطرح شده که نه تنها نویسندگان بلکه مترجمان، پژوهشگران ادبی، ناشران، جهانگردان، مسافران، نهادها، مجلات و... نیز واسطه محسوب میشوند (پراور، ۱۴۰۱: ص ۴۷). همچنین در این شاخه میتوان به بررسی سنتهای ادبی قدیمی و جدید در ادبیات کودک و نوجوان پرداخت؛ به‌طور مثال در پژوهشی در ایران به کودک‌سروده‌ها به‌مثابه ژانر پرداخت‌شده است (ذوالفقاری و مهدوی، ۱۴۰۲) که این گونه پژوهشها را میتوان در شاخه مطالعات ارتباطی و انتقالی و توسعه میان‌فرهنگی سنتهای ادبی به قلمرو ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان بسط داد. در ادبیات کودک و نوجوان، نهادهای ادبیات کودک آشکارا به عنوان میانجیهای فرهنگی هستند که به فعالیت می‌پردازند. ترجمه ادبیات کودک و نوجوان، بحث قابل توجه و مهمی است که با سانسورها و ایدئولوژی و ساختارهای فرهنگی و اجتماعی و سیاسی در پیوند است. بوطیقای تطبیقی به‌دلیل گستردگی مباحث زیبایی‌شناختی و مسیر مجزایی که خارج از حیطه بینامتنیت میتواند

طی کند، در گروه مجزایی ذکر گردید. از طرفی اسالیوان در بوطیقای تطبیقی که برشمرده، بینامتنیت را یکی از عنصرهای گفت‌وگویی در نظر گرفته است اما در این دسته، بینامتنیت بحث مفصل و گسترده و اساس این شاخه نیست. در بوطیقای تطبیقی، فنهای ادبی که ساختار ادبیات کودک و انتظاراتی از آن را تغییر میدهد و گونه‌های ادبی را در نظر میگیرد. مزاح را میتوان با بحث‌های کارناوالیسم باختین مرتبط کرد و به مطالعه از آن چشم‌انداز پرداخت. در خصوص درون‌مایه‌ها و بن‌مایه‌ها باید فنهای نمادینی که نویسندگان برای بازنمایی مفاهیم مدنظرشان به‌کار بسته‌اند، واکاوی شود. یکی از فنهای از نظر اسالیوان، فانتزی است که حیوانات به جای انسانها نقش ایفا میکنند تا بتوان حتی مفاهیم تلخ را که در گذشته با رویکرد تربیتی یا روانشناختی برای آماده‌سازی و پذیرش کودک به‌کار می‌بستند، به صورت غیرمستقیم و کنایی مطرح کرد. نقد و نظریه ادبیات کودک که در دسته‌بندی اسالیوان یک گروه و جایگاه مجزا دارد، در گروه‌بندی جدید در کنار فرانقد و فرانظریه در نظر گرفته شده است؛ چراکه هم زیرگروه نقد و نظریه و فرانقد و فرانظریه را دربرمیگیرد و هم تاریخ تطبیقی مطالعات ادبیات کودک که گرایش به ارزیابی انتقادی دارد و متمایل به فرانقد است.

یک گروه جدید تحت عنوان مخاطب‌شناسی، از نظر پژوهش حاضر قابل تعریف است؛ آنچه ادبیات کودک را متعهد و مقید به ادبیات ویژه و منحصر به‌فرد میکند، مخاطب است. مخاطب ادبیات کودک و نوجوان، از طرفی خود کودک و نوجوان و طیف گسترده‌ی مشمولان این مخاطبان، و از طرف دیگر بزرگسالان میانجی و دست‌اندرکار هستند.

اسالیوان در خصوص پژوهشهایی که نمیتوان آن‌ها را در یک قلمرو گنجانند و چندوجهی هستند، یک حوزه تحت عنوان «هم‌پیوندی حوزه‌های گوناگون مطالعات تطبیقی» در مجموع معرفی مینماید تا نشان دهد که نمیتوان مرزبندی مطلق و خط‌کشی بدون انعطافی تنظیم کرد؛ چراکه ماهیت ادبیات با مرزهای سیال مواجه است و این کار، پژوهش در حیطه‌های نزدیک به هم را دشوار می‌سازد. از طرفی، در ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان، توجه به چند قلمرو میتواند راهگشا و گشودگی بیشتری در زوایا و ساختها داشته باشد.

برای پژوهش در حیطه ادبیات کودک و نوجوان و مشخصاً ساحت ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان، به‌دلیل خلأهای نظری، گستره کتب و آثار ادبی کودک و نوجوان برای مطالعه، جزئی‌نگری ویژه این حیطه، نگرانی کمتری در خصوص تکراری بودن / شدن موضوع مقاله وجود دارد؛ چراکه در مطالعات ادبیات کودک با خوانش متنهایی که از چشم دیگر پژوهشگران دور مانده‌اند یا ارائه خوانشی که از آن منظر مطالعه صورت نگرفته است، میتوان جزئیات و پژوهش تازه و منحصری رقم زد که در ساحت ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان، راهگشا و روشنگر است؛ هر طرح پژوهشی خشت دیگری است که دیوار همواره فرازنده دانش را بلندتر میکند. لازم است به مخاطبان پژوهش توجه شود. دانشجویان رشته‌های متعدد (تعلیم و تربیت، کتابداری، گرافیک و ادبیات) ادبیات کودک را به‌عنوان بخشی از برنامه آموزشی خود برای کسب مدرک یا از روی علاقه مطالعه میکنند. لذا بعضی موضوعها با رشته‌های معین تناسب بیشتری دارند (گرنبی و رنولدز، ۱۴۰۰: صص ۳۸-۳۷)؛ باید در این خصوص دقت شود تا پژوهشهای هر ساحت در قلمرو پژوهشی درست خود قرار بگیرند.

نتیجه‌گیری

تلاش پژوهش حاضر تحقق بخشهایی از اهداف ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان بوده است تا به بررسی مفهوم و قلمرو ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان در ایران بپردازد؛ خلأ پژوهش در تعریف و تبیین کلیات، مرور تاریخچه،

معرفی بنیان نظری و عملی این شاخه از دانش در ایران، پژوهش حاضر را در زمره نخستین تلاش‌های علمی-پژوهشی در این زمینه قرار می‌دهد که باید با مطالعه پژوهش‌های موجود، ماهیت و وضعیت ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان در ایران تفسیر و تبیین گردد. این پژوهش کوشیده است توجه سیاست‌گذاران و پژوهشگران ادبی و هنری را به ضرورت توسعه این شاخه از دانش بشری و مبانی نظری و نظریه‌پردازی نسبت به آن در ایران جلب نماید؛ اهمیت دارد که تاریخچه، قدمت و جایگاه و گستره علمی و کاربردی این رشته در سایر ملل و سایر ادبیات از جمله ادبیات بزرگسال که گفتمان غالب در پژوهش‌ها و مطالعات نظری و کاربردی ماهیت ادبیات تطبیقی محسوب می‌شود، توصیف گردد. رسالت و نقش برنامه‌ریزان، پژوهشگران، نهادها و نظام آموزشی و دانشگاهی در ساماندهی مطالعات ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان و توجه ویژه به تمرکز در این شاخه از دانش و بسط و توسعه ابعاد نظری و کاربردی آن بیش‌ازپیش نمودار می‌گردد. در این مطالعه، با بررسی منابع نظری و اسنادی و نگاه تطبیقی و مقایسه‌ای، وضعیت ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان در بستر دانشگاهی و رشته‌ها تبیین شد و قلمروهای پژوهشی این ساحت، با ترکیب و تطبیق قلمروهای پیشنهادی ادبیات تطبیقی و حوزه نه‌گانه پیشنهادی ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان اسالیوان تدقیق و حوزه‌های جدیدی در دسته‌بندی و صورت‌بندی تازه پیشنهاد گردیده است که در پژوهش‌های آتی برای پژوهشگران ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان راهگشا خواهد بود. در سرفصل دروس وزارت علوم، نشان داده شد که برای درس ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان در دانشگاه برای رشته ادبیات کودک و نوجوان خلأ منابع نظری وجود دارد. لذا این خلأ را باید با پژوهش‌هایی که پژوهشگران در این ساحت به‌طور مشخص و ویژه کار می‌کنند، کاهش داد. بدین منظور لازم است که قلمرو پژوهش در این حیطه برای پژوهشگران مشخص گردد تا حوزه فعالیت و مطالعه را باتوجه به ماهیت این ساحت، شکل دهند؛ در این پژوهش با بررسی تطبیقی و بینامتنی بین منابع نظری ادبیات تطبیقی بزرگسال و ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان که به پیشنهاد اسالیوان در کتاب و رساله‌اش مطرح گردیده، قلمروهایی متناسب با پژوهش در ایران ارائه شده است تا پژوهشگران بتوانند با جامعیت بیشتری به جزئیات لازم در این حیطه بپردازد و خلأ نظری این ساحت و مبانی نظری آن را مدنظر قرار دهد.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه گیلان استخراج شده است. آقای دکتر محمدعلی خزانه‌دارلو راهنمایی این رساله را برعهده داشته‌اند. استاد راهنما و آقای دکتر رضا چراغی به‌عنوان مشاور و دانشجو سارا ذبیحی به‌عنوان پژوهشگران این پژوهش، در گردآوری و تنظیم متن نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند کمال تشکر خود را از گروه سبز زبان و ادبیات فارسی و مدیر گروه و مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه گیلان و سردبیر و مسئولان نشریه بهار ادب که همراه و روشنگر بوده‌اند، تقدیم نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است و ایشان کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Anushiravani, A. (2019). "The Necessity of Comparative Literature in Iran". *Special Issue of Comparative Literature (Persian Language and Literature Culture)*. V 1. N 1 (1), Pp. 6-38.
- Domínguez, C. et. al. (2020). *Introducing Comparative Literature: New Trends and Applications*. translated by Masoud Farahanmandfar and Roshanak Akrami. Tehran: Siahroud, Pp. 16-17.
- Grenby, M. O. and Reynolds, K. (2021). *Children's Literature Studies : a research handbook*. translated by Mahboubeh Farhangi. 2nd ed. Tehran: Madreseh, Pp. 18-38.
- Horri, A. (2022). "Interaction of interdisciplinary and cultural studies in comparative literature". *literary Interdisciplinary research*. V 4. N 8, Pp. 111-134.
- Jost, F. (2019). *Introduction to Comparative Literature*. Translated by Alireza Anushirvani and others. Tehran: SAMT, Pp. 12-57.
- Khosronejad, M. (2010). *Innocence and experience (an introduction to the philosophy of children's literature)*. 2nd ed. Tehran: Markaz, Pp. 41-87.
- Letafati, R and Moazzami Farahani, B. (2019). *Comparative Literature in Oscillation*. Tehran: SAMT, P. 15.
- Marčetić, A. (2022). *After comparative literature*. Translated by Masoud Farahanmandfar and Pegah Farhangmehr. Tehran: Morvarid, P. 40.
- Moran, J. (2008). *Interdisciplinarity*. Translated by Davood Hatami. Tehran: Institute of Cultural and Social Studies, Pp. 20-21.
- Namvar motlagh, B. (2022). *Comparative literature (Concepts, Schools, Types and Corpuses)*. Tehran: Logos, Pp. 81-82.
- Nojuomian, A. A. (2013). "Towards a New Definition of Comparative Literature and Criticism." *LIRE*. V 9. N 38, Pp. 115-138.
- O'Sullivan, E. (2019). *Children's Comparative Literature*. translated by Maryam Jalali and Mahboubeh Farhangi. Tehran: Center for the Intellectual Development of Children and Adolescents, Pp. 13-14.
- Prawer, S. S. (2019). *Comparative Literary Studies: An Introduction*. Translated by Alireza Anushiravani and Mustafa Hosseini. 4th ed. Tehran: SAMT, P. 47.

- Wellek, R. (2020). *René Wellek's narrative of comparative literature*. Translated by Saeed Rafiei Khezri. Tehran: Cheshmeh, Pp. 20-56.
- Zabihi, S. (2022). "Comparative children's literature by Emmer O'Sullivan". *Interdisciplinary studies of Literature, Arts and Humanities*. V 2. N 1 (3), Pp. 294-283.
- Zolfeghari, Nasrin Alsadat and Mahdavi, Mohammad Javad. (2024). "A child's poem as a genre". *Journal of the stylistic of Persian poem and prose (Bahar- e - Adab)*. V 16 (93), Pp. 199-181.

فهرست منابع فارسی

- اسالیوان، ایمر. (۱۳۹۸). ادبیات تطبیقی کودکان. ترجمهٔ مریم جلالی و محبوبه فرهنگی. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، صص ۱۳-۱۴.
- انوشیروانی، علی‌رضا. (۱۳۸۹). «ضرورت ادبیات تطبیقی در ایران». *ادبیات تطبیقی (فرهنگستان زبان و ادب فارسی)*. ۱/۱ (پیاپی ۱)، صص ۳۸-۶.
- پراور، زیگبرت سالمُن. (۱۳۹۸). درآمدی بر مطالعات ادبی تطبیقی. ترجمه علی‌رضا انوشیروانی و مصطفی حسینی. چ چهارم. تهران: سمت، ص ۴۷.
- حری، ابوالفضل. (۱۴۰۱). «برهم‌کنشی مطالعات میان‌رشته‌نگی و فرهنگی در ادبیات تطبیقی». *پژوهش‌های بین‌رشته‌ای/ادبی. س ۴. ش ۸*، صص ۱۳۴-۱۱۱.
- خسروزاد، مرتضی. (۱۳۸۹). معصومیت و تجربه (درآمدی بر فلسفه ادبیات کودک). چ دوم. تهران: مرکز، صص ۸۷-۴۱.
- دومینگز، سزار و دیگران. (۱۳۹۹). درآمدی بر ادبیات تطبیقی (جریان‌ها و کاربردهای نوین). ترجمهٔ مسعود فرهنگمندفر و روشنک اکرمی. تهران: سپاه‌رود، صص ۱۷-۱۶.
- ذبیحی، سارا. (۱۴۰۱). «ادبیات تطبیقی کودکان اثر ایمر اسالیوان». *مطالعات بین‌رشته‌ای ادبیات، هنر و علوم انسانی*. د ۲. ش ۱ (پیاپی ۳)، صص ۲۹۴-۲۸۳.
- ذوالفقاری، نسرین‌السادات و مهدوی، محمدجواد. (۱۴۰۲). «کودک‌سروده بمثابة ژانر». *سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار/ادب)*. د ۱۶ (پیاپی ۹۳)، صص ۱۹۹-۱۸۱.
- گرنبی، ام. آ. و رنولدز، کیمبرلی. (۱۴۰۰). مطالعات ادبیات کودک: راهنمای روش پژوهش. ترجمهٔ محبوبه فرهنگی. چ دوم. تهران: مدرسه، صص ۳۸-۱۸.
- لطافتی، رویا و معظمی‌فراهانی، بیتا. (۱۳۹۸). ادبیات تطبیقی در نوسان. تهران: سمت، ص ۱۵.
- مارچتیچ، آدریانا. (۱۴۰۱). پس از ادبیات تطبیقی. ترجمهٔ مسعود فرهنگمندفر و پگاه فرهنگ‌مهر. تهران: مروارید، ص ۴۰.
- مورن، جو. (۱۳۸۷). میان‌رشته‌نگی. ترجمه داود حاتمی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، صص ۲۱-۲۰.

نامورمطلق، بهمن. (۱۴۰۱). ادبیات تطبیقی (مفاهیم، مکاتب، انواع و پیکره‌ها). تهران: لوگوس، صص ۸۲-۸۱.
نجومیان، امیرعلی. (۱۳۹۱). «به سوی تعریفی تازه از ادبیات تطبیقی و نقد تطبیقی». پژوهش‌های ادبی، س ۹، ش ۳۸، صص ۱۳۸-۱۱۵.
ولک، رنه. (۱۳۹۹). روایت رنه ولک از ادبیات تطبیقی. ترجمه سعید رفیعی‌خضری. تهران: چشمه، صص ۵۶-۲۰.
یوست، فرانسوا. (۱۳۹۸). درآمدی بر ادبیات تطبیقی. ترجمه علیرضا انوشیروانی و دیگران. تهران: سمت، صص ۱۲-۵۷.

معرفی نویسندگان

سارا ذبیحی: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.
(Email: Sarah_Zabihi@phd.guilan.ac.ir)
(ORCID: 0000-0002-6827-0686)

محمدعلی خزانهدارلو: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.
(Email: khazaneh@guilan.ac.ir: مسئول)
(ORCID: 0000-0001-9116-1149)

رضا چراغی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.
(Email: Cheraghireza@guilan.ac.ir)
(ORCID: 0000-0002-4398-421x)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Sara Zabihi: Ph.D. student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Gilan University, Rasht, Iran.
(Email: Sarah_Zabihi@phd.guilan.ac.ir)
(ORCID: 0000-0002-6827-0686)

Mohammad Ali Khazaneh Darlou: Associate Professor of the Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Gilan University, Rasht, Iran.
(Email: khazaneh@guilan.ac.ir: Responsible author)
(ORCID: 0000-0001-9116-1149)

Reza Cheraghi: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Gilan University, Rasht, Iran.
(Email: Cheraghireza@guilan.ac.ir)
(ORCID: 0000-0002-4398-421x)